

سیاست جنایی زیست محیطی در قرآن کریم

محمد علی حاجی ده‌آبادی*
سیف‌الدین سلیمی**

چکیده

محیط زیست که با بقای موجودات زنده و تداوم نسل‌های آنان پیوند ناگسستنی دارد، همواره باید مورد حمایت قرار گیرد. مبارزه با جرایم زیست محیطی به‌ویژه در جوامع امروزی، امری ضروری و روشن‌ترین مصداق تأمین عدالت زیست محیطی محسوب می‌شود. مقاله پیش رو با عنوان «سیاست جنایی زیست محیطی در قرآن کریم» با روش توصیفی و تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای، به دنبال حمایت از محیط زیست و پیشگیری از جرایم زیست محیطی است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد قرآن کریم با تشویق به رفتارهای سازگار با محیط زیست و تقبیح رفتارهای مخرب و نیز با ستایش ایجاد موانع فیزیکی در اطراف منابع طبیعی و امانت دانستن آنها در دست حکومت اسلامی، به دنبال پیشگیری از تخریب محیط زیست است. سیاست کیفری اسلام در قبال آسیب‌های زیست محیطی بر ممنوعیت آن تأکید دارد. حاکم اسلامی می‌تواند با توجه به ماهیت جرم و ویژگی‌های شخصی مجرم، از مجازات‌های سنتی، مجازات‌های جدید مبتنی بر خدمات اجتماعی یا اقدامات تأمینی و تربیتی استفاده کند.

واژگان کلیدی: محیط زیست، سیاست جنایی، تدابیر پیشگیرانه، سیاست کیفری.

* دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم و عضو انجمن فقه و حقوق اسلامی حوزه

علمیه قم/ نویسنده مسئول (dr_hajidehabadi@yahoo.com).

** دانشجوی دکتری جامعه‌المصطفی العالمیه (salimi.saifodin@gmail.com).

مقدمه

سیاست جنایی در تعریف موسّع «به مجموعه شیوه‌ها و روش‌هایی گفته می‌شود که به وسیله آن، مجموعه دولت و جامعه مدنی پاسخ‌های کیفری و غیرکیفری خود را به پدیده جنایی سازمان‌دهی می‌کند» (مارتی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۳/حسینی، ۱۳۹۴، ص ۱۴). پدیده جنایی در تعریف مذکور اعم از بزه و انحراف است (مارتی، ۱۳۹۵، ص ۴۹)؛ بنابراین سیاست جنایی با تمامی گونه‌هایش (تقنینی، قضایی و اجرایی) (لِواسور، [بی‌تا]، ص ۴۲۳)، فقط به اقدامات کیفری و مجازات مجرمان پس از ارتکاب جرم بسنده نمی‌کند، بلکه توجه اصلی‌اش به مجرمان بالقوه و پیش از ارتکاب جرم است و می‌کوشد با تدابیر پیشگیرانه اجتماعی و وضعی، از ارتکاب جرم و انحراف پیشگیری نماید. سیاست جنایی در اسلام به مجموعه تدابیری گفته می‌شود که نظام الهی از راه پی‌سازی (طهارت‌بخشی سه‌گانه به فرد و جامعه)، پیش‌سازی (تدارک نیازهای مادی و معنوی شخص یا جامعه)، پیشگیری، مجازات و اصلاح فرد و جامعه، به مواجهه با منکر می‌پردازد تا فرد و جامعه صالح‌خدامدار، ایجاد کند (فرجی، ۱۴۰۲، ص ۴).

برای محیط زیست به معنای امروزی که اصطلاحی جدید است و سابقه کاربرد آن در فرانسه و به قرن دوازدهم برمی‌گردد (الکساندرکیس، ۱۳۸۴، ص ۵)، تعاریف متعددی ارائه شده است؛ برای مثال به محیطی با خصایص بیولوژیکی، شیمیایی و فیزیکی معین گفته شده است که در آن محیط، بشر و دیگر موجودات ذی‌حیات در طول زندگی خود بتوانند از زندگی طبیعی بهره‌مند باشند (قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۲۷). محیط زیست در منابع عربی و اسلامی از جمله در کتاب‌های فقهی، اصطلاح وارداتی محسوب می‌شود و به «البیئه» ترجمه شده که عبارت است از هر آنچه خارج از بدن انسان، حیوانات و دیگر جانداران باشد و ارتباط با زنده‌ماندن و نحوه زندگی کردن آنها دارد (حسینی شیرازی، ۱۴۲۰، ص ۱۳). با توجه به تعریف سیاست جنایی و محیط زیست که ذکر شد، سیاست جنایی زیست‌محیطی عبارت است از مجموعه راهکارها و پاسخ‌های کیفری و غیرکیفری مجموعه دولت و جامعه مدنی در جهت مقابله با جرم، انحراف یا مخاطرات زیست‌محیطی که ادامه آن، زنده‌ماندن انسان، حیوانات و دیگر جانداران و چگونگی زندگی کردن آنها را با خطر روبه‌رو سازد.

امروزه حفاظت از محیط زیست و مبارزه با جرایم و مخاطرات زیست‌محیطی، یکی از ضرورت‌های جوامع بشری محسوب می‌گردد؛ زیرا با گذشت زمان و ازدیاد جمعیت افراد بشر

و ادامه بهره‌برداری بی‌رویه از اجزای محیط زیست به وسیله افراد سودجو و اربابان ابزارهای پیشرفته صنعتی، مواهب نهفته در دامن طبیعت، آرام آرام به پایان عمر خود می‌رسند و از این رهگذر، علائم تهدیدکننده حیات نسل حاضر و آیندگان آشکار می‌گردد. در این میان محیط زیست کشورهای توسعه‌نیافته از جمله بیشتر کشورهای اسلامی که مردم‌شان از جنگ، ناامنی، فقر، بی‌کاری و... رنج می‌برند، بیشتر از دیگر کشورها در معرض تخریب و نابودی قرار دارد. اگر در این کشورها آموزه‌های قرآنی درباره محیط زیست و حفاظت از آن به درستی تبیین گردد و قوانین زیست محیطی منطبق با شریعت وضع و اجرا گردد، مردم این کشورها نه تنها از تخریب محیط زیست و آلودگی منابع آبی رنج نخواهند برد، بلکه همگی به‌عنوان حافظان و نگهبانان محیط زیست، علاوه بر برخورداری از محیط زیست سالم، سلامت خود و آیندگان را می‌توانند تضمین کنند.

اکنون این پرسش پیش می‌آید که سیاست جنایی زیست محیطی در قرآن کریم چیست؟ به عبارت دیگر تدابیر و راهبردهای قرآن کریم نسبت به جرایم و مخاطرات زیست محیطی و مجرمان آن، پیش و پس از ارتکاب جرم، چه چیزی می‌باشد؟ بر همین اساس تحقیق حاضر که عهده‌دار پاسخ به پرسش مذکور است، می‌کوشد با توصیف و تحلیل آموزه‌های قرآنی در حوزه محیط زیست و با روش کتابخانه‌ای، تدابیر و راهبردهای قرآن کریم در قبال جرایم و مخاطرات زیست محیطی را استخراج کند و در قالب دو عنوان «سیاست‌های پیشگیرانه» و «سیاست‌های کیفری» مورد بررسی قرار دهد.

۱. سیاست‌های پیشگیرانه

سیاست و تدابیر پیشگیرانه‌ای قرآن کریم در جهت حفاظت از محیط زیست و پیشگیری از تخریب آن، راهبردهای غیرکیفری‌اند که به پیش از وقوع جرم زیست محیطی و آسیب‌رسیدن به محیط زیست مربوط می‌شود. سیاست و تدابیر پیشگیرانه، به «پیشگیری اجتماعی» و «پیشگیری وضعی» تقسیم می‌گردد (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۸، ص ۸۶). در پیشگیری اجتماعی، علل و عوامل جرم‌زا اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... بررسی می‌شود و هدف، جلوگیری از بروز فکر و تصمیم مجرمانه در ذهن افراد است، اما پیشگیری وضعی درصدد است با تغییر موقعیت‌ها و فرصت‌های

بزهکارانه، ارتکاب جرم را دشوار یا ناممکن سازد یا در مواردی از تحریک و ایجاد انگیزه مجرمانه جلوگیری نماید (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۳۵).

۱-۱. پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی به دو نوع پیشگیری «جامعه‌مدار» و پیشگیری «رشدمدار» تقسیم می‌شود. پیشگیری رشدمدار شامل مجموعه‌ای است که با هدف جلوگیری از پیشرفت ظرفیت مجرمانه افراد با تکیه بر ریسک و عوامل حمایتی طراحی شده‌اند، ولی پیشگیری جامعه‌مدار ناظر به عموم جامعه و همه عوامل جرم‌زایی است که در محیط اجتماعی وجود دارد (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۸، ص ۸۷). در هر صورت در پیشگیری اجتماعی تلاش بر آن است تا با تغییر اوضاع و احوال نامساعد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، زمینه‌ها، علل و عوامل محیطی و اجتماعی بزهکاری از تأثیرگذاری بیفتند و با بهبودبخشیدن به شرایط زندگی، فرد در مسیر هم‌نواشدن با هنجارها و رعایت قوانین و مقررات اجتماعی گام بردارد (همان، ص ۹۶).

خداوند در آیات متعدد قرآن کریم، محیط زیست همچون آب، خاک، هوا، جنگل، مراتع و... را از ضروریات حیات و لازمه استمرار زندگی معرفی کرده است؛ برای نمونه درباره آب می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» (انبیاء: ۳۰) و همگان را از تخریب محیط زیست و بهره‌برداری غیرمعتولانه از آن منع کرده است: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱). در اینجا به برخی دیگر از این آیات قرآنی اشاره می‌شود که هریک علاوه بر بیان اهمیت و جایگاه ویژه اجزای محیط زیست، به دنبال تشویق به رفتارهای سازگار با محیط زیست و تقبیح رفتارهای مخرب آن است. دقت به این دسته از آیات قرآن کریم، نه تنها باعث ازدیاد فهم انسان نسبت به جایگاه ویژه محیط زیست در عالم هستی می‌شود، بلکه همگان را به حفاظت از محیط زیست وادار خواهد کرد.

۱-۱-۱. سفارش به آبادانی زمین

خداوند با آیه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰)، انسان را به‌عنوان خلیفه و جانشین خود در زمین معرفی می‌کند و از جهت علمی: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره: ۳۱)، به آدم همه اسماء (حقایق و اسرار عالم هستی) را تعلیم داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۷۶). از لحاظ عملی،

عمران و آبادانی زمین را به انسان واگذار کرد: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱). تعبیر «استعمر» به معنای طلب عمارت و آبادکردن زمین از دیگری است؛ زیرا زمین را به‌گونه‌ای درآورد که قابلیت بهره‌مندی از آن فراهم باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۳۱۰).

براین اساس «برای آنکه بستر مناسبی برای زندگی بشر فراهم شود، خدای سبحان مواد خام را به‌عنوان غذای سفره طبیعت خلق کرد و به انسان، هوش، استعداد، فناوری و خلاقیت داد تا به‌عنوان مهمان، سرسفره مواد خام طبیعت بنشیند و از این مواد به بهترین وجه بهره‌مند شود. عقل را از درون و وحی را از بیرون برای راهنمایی بشر قرار داد تا وی هم به وجود این مواد خام آگاه شود و هم به چگونگی استفاده‌کردن از آن رهنمون گردد، تا زمین را آباد و محیط زیست را سامان بخشد، ازاین جهت از انسان خواست با بهره‌گیری از این مواد خام، به آبادانی زمین بپردازد تا زندگی مناسبی برای بشر فراهم شود. باب استفعال (استعمار) در اینجا برای تحقیق است؛ یعنی به‌جد از شما خواست تا زمین را آباد کنید» (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۲۸-۲۷).

خداوند با تسخیر و رام‌کردن زمین و موجودات در آن به‌نفع انسان، زمینه اعمار و آبادانی زمین را آسان‌تر کرد:

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ (ابراهیم: ۳۲-۳۳): خداوند همان کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفریده و از آسمان آبی نازل کرده و با آن میوه‌های مختلف را خارج ساخت و روزی شما قرار داد و کشتی را مسخر شما گردانید تا بر روی دریا به فرمان او حرکت کنند و نهرها را نیز مسخر شما گرداند. خورشید و ماه را که با برنامه منظمی در کارند، به تسخیر شما در آورد و شب و روز را نیز مسخر شما ساخت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۳۴۸).

به‌رغم آنکه در دو آیه مذکور کلمه «سَخَّرَ» چهار مرتبه تکرار شده و این واژه از جهت مفهومی دارای معنای جامع ذهنی است و شامل هرگونه تسخیر می‌شود، ولی تسخیر شمس و قمر با تسخیر لیل و نهار متفاوت است؛ همچنان‌که تسخیر بحر با تسخیر نهر متفاوت است؛ بنابراین هریک از مخلوقات الهی، هم وجودشان با دیگری تفاوت دارد و هم تسخیر آنها؛ ازاین‌رو بهره‌برداری از آنها نیز متفاوت خواهد بود، ولی آنچه مهم است اینکه همه موجودات مسخر انسان‌اند، به‌همین دلیل لازم است به‌نحو احسن از این نعمت‌های الهی بهره‌برداری شود، درغیراین‌صورت کفران نعمت

است (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۳۱)، درحالی‌که کفران نعمت، مورد نکوهش شدید قرار گرفته است: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كَفْرًا وَ أَلْحَلُوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ: آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند و جمعیت خود را به دارالبوار [نیستی و نابودی] کشاندند» (ابراهیم: ۲۸). بی‌شک یکی از مصادیق کفران نعمت، استفاده غیر معقولانه و مسرفانه از منابع طبیعی است که استمرار آن، جامعه انسانی را به نابودی می‌کشاند.

پیامبر اکرم ﷺ در جهت آبادانی زمین و استفاده بهتر از آن، مردم را به احیای زمین‌های موات و بلااستفاده، تشویق می‌کند: «مَنْ أَحْيَا مَوَاتًا فَهُوَ لَهُ: هرکس زمینی را که از بی‌آبی سفید شده با زراعت روی آن، احیا نماید، مالک آن زمین می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۷۹). امام علی ﷺ در روایتی می‌فرماید: «من وجد ماءً و تراباً ثم افتقر فأبعده الله: ملتی که آب و زمین کشاورزی به اندازه کافی دارد و آنها را مهار و زمین را اصلاح نکند و از آنها بهره‌برداری نکند و در اثر کم‌کاری یا بدکاری، محتاج گردد، از رحمت حق دور باد» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۴۰).

دلیل این همه سفارش به بهره‌برداری معقولانه از منابع طبیعی آن هم در جهت آبادانی زمین، محدود بودن منابع طبیعی است؛ زیرا خداوند هرچیز را به اندازه لازم و به قدر نیاز آفریده است: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر: ۴۹). ازسوی دیگر این مواهب فقط به نسل حاضر تعلق ندارند، بلکه به نسل‌های بعدی و به همه انسان‌ها تعلق دارند (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۸۶). البته محدود و مقدر بودن مواهب الهی بدین معنا نیست که قدرت خداوند محدود باشد و از تمام شدن ارزاق، وحشتی داشته باشیم، بلکه منبع، مخزن و سرچشمه همه‌چیز نزد خداوند است و او توانایی بر ایجاد هر مقدار در هر زمان دارد، ولی همه‌چیز این عالم حساب دارد و ارزاق و روزی‌ها نیز به مقدار حساب شده ازسوی خداوند نازل می‌گردد: «وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ» (حجر: ۲۱). در آیه دیگر به جای کلمه «قدر» از کلمه «موزون» استفاده شده است:

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَ مَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ: زمین را گسترانیدیم و در آن کوه‌های ثابت و استواری قرار دادیم و از هر گیاه موزون و سنجیده‌ای در آن رویانیدیم و برای شما و همچنین برای کسانی که شما نمی‌توانید به آنها روزی دهید، انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم (حجر: ۱۹-۲۰).

در تفسیر کلمه «موزون» اختلاف شده، اما بعضی از مفسران گفته‌اند: «مقصود از «موزون»

مقداری است که به اندازه حاجت باشد، نه کم، نه زیاد. آن هم زیادی که مضر و بیهوده باشد» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۳، ص ۱۷۷).

براین اساس اراده تکوینی خداوند بر حفظ توازن و هماهنگی در نظام خلقت و در جهت آبادانی آن بوده و با اراده تشریحی از انسان خواسته است این توازن را پاس بدارد؛ زیرا هر رفتاری که باعث برهم خوردن نظم طبیعت گردد، عدم هماهنگی میان اراده تکوینی و تشریحی خداوند را به همراه خواهد داشت؛ ازسوی دیگر انجام این‌گونه عملکرد به دور از موقعیت خلیفة‌اللهی بودن انسان در زمین است.

۱-۱-۲. سفارش به غرس نهال و ایجاد فضای سبز

گیاهان و درختان علاوه بر اینکه هر یک به‌تنهایی دفتری عظیم از معرفت پروردگار و نشانه‌های قدرت و جلوه زیبایی خداوندند، وجود آنها در هر منطقه باعث کاهش آلودگی هوا، تأمین اکسیژن، جلوگیری از فرسایش خاک، ایجاد مناظر دیدنی و زیبا و رفع احتیاجات ضروری انسان اعم از سوخت، تغذیه و... می‌گردد؛ بنابراین خداوند در قرآن کریم نزول آب باران و وجود درختان، زراعت، درخت زیتون، نخل خرما، تاک انگور و هرگونه محصولات دیگر از طبیعت را آیات خداوند و معجزه خلقت برای افراد اهل تفکر و خرد، معرفی کرده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَ مِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ؛ يَنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۱۰-۱۱).

امام علی علیه السلام نیز درختان و نباتات را جلوه‌های زیبایی الهی بر روی زمین برشمرده که فرآورده‌های آنها نیازهای انسان و حیوانات را برآورده می‌سازد:

فَهِیَ تَبْهَجُ بِزِينَةِ رِيَاضِهَا وَ تَزْدِيهِ بِمَا أُلْبِسَتْهُ مِنْ رِبَطِ أَزْهَابِهَا وَ حَلِيَّةِ مَا سَمِطَتْ بِهِ مِنْ نَاصِرِ أَنْوَارِهَا وَ جَعَلَ ذَلِكَ بَلَاغًا لِلْأَنْعَامِ وَ رِزْقًا لِلْأَنْعَامِ: پس زمین به‌وسیله باغ‌های زیبا، همگان را به سرور و شادی دعوت کرده، با لباس نازک گلبرگ‌ها که بر خود پوشید، هر بیننده‌ای را به شگفتی واداشت و با زینت و زیوری که از گلبند گل‌های گوناگون، فخرکنان خود را آراست، هر بیننده‌ای را به وجد آورد که فرآورده‌های نباتی را توشه و غذای انسان و روزی حیوانات قرار داد (نهج‌البلاغه: خطبه ۹۱).

شاید به‌دلیل همین سرور و شادی ناشی از باغ‌ها و گیاهان است که خداوند روضات جنات (باغ‌های مشجر در وسط زمین سبز و خرم) را جایگاه مؤمنان در بهشت قرار داده است: «وَالَّذِينَ

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رُضَاتِ الْجَنَّاتِ» (شوری: ۲۲). در آموزه‌های اسلامی، توصیه و سفارش‌های متعددی به غرس نهال و درختکاری شده است؛ از جمله خداوند در آیاتی از قرآن کریم، کاشت و پدیدآوردن برخی اشجار را به خود نسبت می‌دهد که بیانگر اهمیت و ارزشمندبودن این کار در مکتب اسلام است:

فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهِ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ وَشَجَرَةً تُخْرُجُ مِنْ طُورٍ سِينَاءَ تَنْبُتُ بِالذُّهْنِ وَصِنِغٍ لِلْأَكْلِينَ: به وسیله آب برای شما باغ‌هایی از خرما و انگور پدید آوردیم که در آن باغ‌ها برای شما میوه‌های فراوانی است و از آنها می‌خورید و نیز درختی از طور سینا می‌روید که روغن و نان خورش برای خورندگان به بار می‌آورد (مؤمنون: ۱۹-۲۰).

همچنین در آیاتی از سوره عبس می‌فرماید:

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدائقَ غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا؛ مَتَاعًا لَكُمْ وَ لِأَنْعَامِكُمْ: در آن زمین دانه‌های فراوان، انگور و سبزی بسیار، زیتون و نخل فراوان، باغ‌هایی پر درخت، میوه و چراگاه رویانیدیم تا وسیله‌ای برای بهره‌گیری شما و چهارپایان‌تان باشد (عبس: ۲۷-۳۲).

پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی، غرس نهال و درختکاری را صدقه جاریه معرفی می‌کند و می‌فرماید: مَنْ... غَرَسَ غَرْسًا... كَانَ لَهُ أَجْرًا جَارِيًا مَا نَتَفَعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ الرَّحْمَنِ: اگر کسی درختی بکارد، تازمانی که یکی از مخلوقات خدا از آن بهره ببرد، خداوند به وی پاداش خواهد داد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۴۶۰).

ابوایوب انصاری از پیامبر اکرم ﷺ روایت می‌کند که حضرت ﷺ فرمود: «هرکس درختی بکارد و آن درخت به بار نشیند، خداوند به اندازه میوه‌های آن درخت به وی پاداش می‌دهد» (طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۹، ج ۲۳، ص ۹۵۹). در حدیث دیگر، کاشتن درخت در ردیف بهترین و مقدس‌ترین کارهای خیر همچون تعلیم دانش، ساختن مسجد، تربیت فرزند صالح و... قرار داده شده است که پاداش آن برای بنده در قبر او و پس از مرگش دوام دارد: «سبع یجری للعبد أجرهنّ و هو فی قبره بعد موته: من علّم علماً، أو أجرى نهراً، أو حفر بئراً، أو غرس نخلاً، أو بنى مسجداً، أو ورث مصحفاً، أو ترک ولداً یستغفر له بعد موته» (پابنده، ۱۳۸۲، ص ۵۲۰). در اهمیت غرس نهال و درختکاری همین بس که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «اگر عمر جهان پایان یابد و قیامت برسد و یکی از شما نهالی در دست داشته باشد، چنان‌که به‌قدر کاشتن آن فرصت

باشد، باید فرصت را از دست ندهد و آن را بکارد» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۴۶۰).

باتوجه به اهمیت و جایگاه ویژه‌ای که درختان و فضای سبز در زندگی بشر دارد، امام صادق علیه السلام آبیاری درختان را برابر با سیراب کردن انسان تشنه می‌داند و می‌فرماید: «مَنْ سَقَى طَلْحَةً أَوْ سِدْرَةً فَكَأَنَّمَا سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَمَاءٍ: هرکس درخت خرما یا سدر را آب دهد، همانند آن است که مؤمن تشنه‌ای را سیراب کرده باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۳، ص ۱۱۳)؛ حال آنکه بر اساس فرموده امام زین‌العابدین علیه السلام، پاداش سیراب کردن مؤمن تشنه، نوشیدنی‌های بهشتی است که در قیامت به سیراب‌کننده، نشانده می‌شود: «و مَنْ سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَمًا سَقَاهُ [اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ] مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ» (کوفی اهوازی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲).

در کنار روایات، یکی دیگر از چیزهایی که می‌تواند مفسر آیات قرآن باشد، سیره عملی ائمه معصومان علیهم السلام است. نمونه‌هایی از رفتار آن حضرات علیهم السلام در کاشتن نهال و درختکاری نقل شده است که بیانگر اهمیت و جایگاه ویژه درختان و فضای سبز می‌باشد. امام علی علیه السلام از روزی که وارد مدینه منوره شد، در کنار جنگ و جهاد در راه خدا و اسلام، به کشاورزی و درختکاری مبادرت ورزید؛ به خصوص در ۲۵ سال خانه‌نشینی که از کارهای اجتماعی، تربیتی و سیاسی، قهراً کنار گذاشته شده بود. در این مدت که فراغت یافته بود، به امور کشاورزی و درختکاری و حفر قنات و درآوردن چشمه‌ها در اطراف مدینه مشغول شد و املاک، باغ و مزارع فراوانی احداث کرد. حضرت علی علیه السلام فرمود:

زمانی را به یاد می‌آورم که در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله از گرسنگی سنگ (مجاعه) بر شکم می‌بستیم، درحالی که (الآن) صدقات اموال من سالانه برای فقرای بنی‌هاشم کفایت می‌کند (احمدی میانجی، ۱۴۲۴، ص ۲۰۰).

امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

حضرت علی علیه السلام یکصد هزار هسته خرما معادل شصت صاع (اندازه یک بار شتر و حدود ۱۸۰ کیلوگرم) را به صحرا برد و هسته‌ها را کاشت و حتی یکی از آنها هدر نرفت و همه به درخت تبدیل شد (طباطبایی، ۱۴۲۹، ج ۲۳، ص ۹۵۵).

مسلمانان اولیه که در مناطق نسبتاً خشک و بیابانی زندگی می‌کردند و همواره در معرض خطر پیشروی صحرا قرار داشتند، پس از ورود به سرزمین‌های سرسبز ساحلی و کوهستانی و خوش آب‌وهوا، چنان به وجد می‌آمدند که درک آن برای ما دشوار است و با تاسی به سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و

پس از مشاهده انواع فضای سبز، باغ‌ها و گیاهان و احیاناً پی بردن به برخی خواص ظاهری (زینتی) یا دارویی آنها، به انتقال آنها به مناطق دیگر اسلامی و ترویج و گسترش آن دست می‌زدند (ناصری داوودی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۲).

امروزه یکی از عواملی که می‌تواند حیات موجودات زنده و موجودیت دیگر اجزای محیط زیست را با خطر مواجه کند، قطع بی‌رویه درختان و از میان بردن مراتع و جنگل‌هاست، درحالی‌که خداوند قطع مزارع و از میان بردن مطلق نباتات و گیاهان زمین را یکی از مصادیق فساد در زمین و صفاتی از صفات منافق معرفی کرده است:

وَ إِذَا تَرَوْهُ سَوَّاهُ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ: هنگامی که برخی منافقان از نزد پیامبر اکرم ﷺ خارج می‌شوند، در راه فساد در زمین کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند [با اینکه می‌دانند] خدا فساد را دوست نمی‌دارد (بقره: ۲۰۵).

برهمن اساس پیامبر اکرم ﷺ از نابودکردن مزارع و قطع درختان، به‌ویژه درختان میوه، نهی فرموده است: «لَا تُحْرِقُوا النَّخْلَ وَ لَا تُعْرِقُواهَا بِالْمَاءِ وَ لَا تُقَطِّعُوا شَجَرَةً مُنْمِرَةً وَ لَا تُحْرِقُوا زُرْعاً: درختان را آتش نزنید، آنها را در آب غرق نکنید، درختان میوه را قطع نکنید، مزارع را نسوزانید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹، ص ۱۷۹). امام صادق ﷺ نیز می‌فرماید: «لَا تُقَطِّعُوا النَّبَاتَ فَيُصِيبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْعَذَابَ صِيبًا: هرگز درختان را قطع نکنید که خداوند عذاب شدیدی را بر شما فرود می‌آورد» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۳۹).

شاید در عصر ائمه ﷺ مخصوصاً در زمان امام صادق ﷺ، مردم از شنیدن این‌گونه توصیه‌ها شگفت‌زده می‌شدند و دلیل آن را نمی‌دانستند؛ بنابراین امروزه که همگان از نقش درختان و مراتع در پالایش هوا، کاهش آلودگی، بازدارندگی سیلاب‌ها، ایجاد نشاط روحی و بسیاری از فواید دیگر آن آگاه‌اند، باید سفارش‌ها و هشدارهای ائمه ﷺ را بهتر درک کنند و از قطع درختان یا از میان بردن مراتع و گیاهان خودداری کنند.

۱-۱-۳. اهتمام ویژه به آب و نهی از آلوده کردن آن

از حدود ۱۳۸۶ میلیون کیلومتر مکعب آب کره زمین فقط ۳ درصد آن را آب‌های شیرین تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر ۶۹ درصد از آب‌های شیرین جهان در دو قطب زمین و ۳۰ درصد آن

به صورت آب‌های زیرزمینی می‌باشد؛ بنابراین از کل آب‌های شیرین جهان فقط ۳ درصد آن برای رفع نیاز انسان‌ها و سایر موارد حیات به صورت آب‌های تجدیدپذیر در دریاچه‌ها و رودخانه‌ها در دسترس قرار دارد (حسینی، ۱۳۹۷، ص ۴۴). تحقیقات نشان می‌دهد اکوسیستم آب‌های شیرین در همه جا در حال تنزل است؛ به گونه‌ای که تا سال ۲۰۲۵ میلادی، ۲/۵ میلیارد نفر به آب آشامیدنی سالم دسترسی نخواهند داشت (گرچی فرد، ۱۳۹۵، ص ۱۲۸)؛ به همین دلیل خداوند متعال ۲۱۹ آیه قرآن کریم را به آب و مفاهیم مربوط به آن و نقش‌های متعدد و ارزنده‌ای که در القای حیات به مجموع جهان هستی ایفا می‌کند، اختصاص داده است (صفاری‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۳۴)؛ برای مثال خداوند وجود هر موجود زنده را از آب می‌داند: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» (انبیاء: ۳۰/ نور: ۴۵)؛ بر همین اساس گفته شده است حدود هفتاد درصد از بدن انسان و بسیاری از حیوانات را آب تشکیل می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۹۶). آب آشامیدنی و گوارا که منشأ آن آب باران است، در تداوم زندگی بشر و بسیاری از گیاهان و جانوران نقش بیشتر و محسوسی دارد؛ حتی گیاهان بسیار کوچکی که در لابه‌لای امواج آب دریا می‌رویند و خوراک عمده ماهیان‌اند، از پرتو نور آفتاب و دانه‌های باران رشد می‌کنند (همان، ج ۵، ص ۳۶۹)؛ از این رو خداوند آب باران را آب مبارک و پُربرکت معرفی می‌کند که نیازهای بشر و دیگر موجودات را در بهترین و آسان‌ترین شکل تأمین می‌کند: «وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ» (ق: ۱۹/ اعراف: ۹۶). امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «اشْرَبُوا مَاءَ السَّمَاءِ فَإِنَّهُ يَطْهَرُ الْبَدَنَ وَ يَدْفَعُ الْأَسْقَامَ: از آب آسمان [باران] بنوشید که پاک‌کننده بدن و دفع‌کننده بیماری‌هاست» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۸۷).

یکی از آموزه‌های اسلامی نسبت به منابع آبی، نهی از آلوده کردن و هدر دادن آب است. خداوند نسبت به نحوه مصرف آب می‌فرماید: «وَاشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ: آب را بیاشامید، اما اسراف نکنید؛ زیرا خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد» (اعراف: ۳۱). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی، آلوده کردن آب را مورد سرزنش قرار داده و از آن نهی کرده است: «إِنَّهُ صلی الله علیه و آله نَهَى أَنْ يُبُولَ الرَّجُلُ فِي الْمَاءِ الْجَارِي» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۳). امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «وَ لَا تُفْسِدْ عَلَى الْقَوْمِ مَاءَهُمْ: آب مردم را آلوده و فاسد نکنید» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۴۴)؛ بنابراین لازم است درباره اصل آب آشامیدنی و گوارا، کیفیت انتفاع از این ذخیره خدایی، اشیایی که آن را آلوده می‌کند، اموری که در تطهیر و تنظیف آن مؤثر است و نحوه تصفیه آن، از ابتکارات فنی استفاده شود (جوادی آملی،

۱۳۹۴، ص ۲۷۴)؛ زیرا در منابع اسلامی آب به‌عنوان ثروت عمومی معرفی شده و همگان حق استفاده یکسان از آن را دارند. کسی اجازه ندارد با آلوده کردن و هدر دادن آب، دیگران را از این حق مسلم محروم نماید (صفاری‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۸۸).

بدین ترتیب منابع زیست‌محیطی اعم از مراتع و اشجار، منابع آبی و... به‌دلیل پیوستگی اکوسیستم، چنانچه بخشی از آن مورد تعرض قرار گیرد، دیگر بخش‌ها نیز دچار اختلال خواهند شد. در واقع پدیده‌های طبیعی از منظر آموزه‌های اسلامی، آیات الهی‌اند و در رابطه با خداوند دارای معنا و هدف‌اند و علاوه بر منشأ الهی، آینه صفات خدا بوده که می‌توانند از طریق اصلاح نگرش معرفتی و رفتار اخلاقی و تربیتی بشر، راهگشای حل معضلات زیست‌محیطی امروز باشند (احمدی، خسروشاهی و میرشکاری، ۱۳۹۷، ص ۲۱۱)؛ زیرا اعتقاد به مفیدبودن طبیعت برای انسان، نقش ارزنده‌ای در پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی می‌تواند داشته باشد.

۱-۲. پیشگیری وضعی

اگر جامعه یا افرادی نتوانند یا نخواهند جایگاه ویژه محیط زیست در زندگی بشر را درک کنند و بدون توجه به توصیه‌های قرآنی و نادیده گرفتن اصول و قواعد حاکم بر حقوق بین‌الملل محیط زیست - اصول مطرح در اعلامیه‌های استکهلم (۱۹۷۲م)، ریودوژانیرو (۱۹۹۲م)، ژوهانسبورگ (۲۰۰۲م) و... - بخواهند به محیط زیست آسیب شدید برسانند، با استفاده از تدابیر پیشگیری وضعی، همچنان از تخریب محیط زیست می‌توان پیشگیری کرد؛ زیرا در پیشگیری وضعی یا موقعیتی سعی بر آن است تا با تغییر در آخرین موقعیت و وضعیت‌های خاصی که در آنها بزهکاری به فعلیت می‌رسد، با وقوع جرم مقابله نماید (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۸، ص ۸۷)؛ به عبارت دیگر تدابیر پیشگیری وضعی شامل دو دسته تدابیر و اهداف است: دسته نخست، تدابیری‌اند که به دنبال سلب امکان تحقق فعل مجرمانه یا دست‌کم دشوار نمودن آن‌اند؛ مانند سخت نمودن دسترسی به آماج یا محافظت از بزه‌دیدگان بالقوه؛ دسته دوم، تدابیری‌اند که با هدف کاستن از جاذبه‌های مجرمانه و عوامل تحریک‌کننده محیطی، درصددند از تصمیم‌نهایی مجرم و گذر او از اندیشه به عمل جلوگیری کنند (غلامی، ۱۴۰۰، ص ۴۴۶).

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که بیانگر تدابیر پیشگیری وضعی در قبال جرایم و مخاطرات

زیست‌محیطی است. عمل به این‌گونه تدابیر که در ادامه مورد تحلیل قرار می‌گیرد، می‌تواند دسترسی افراد بالقوه مجرمان زیست‌محیطی را به منابع طبیعی دشوار کند و از عملی شدن تصمیم مجرمانه ایشان بازدارد.

۱-۲-۱. ستایش از ایجاد مانع فیزیکی اطراف منابع طبیعی

در مورد افرادی که آماده ارتکاب عمل مخاطره‌آمیز نسبت به محیط زیست‌اند، با ایجاد مانع فیزیکی اطراف آن، می‌توان مانع دسترسی آنان بر محیط زیست شد یا دست‌کم دسترسی ایشان را محدود و دشوار کرد تا از تخریب منابع طبیعی که بزه‌دیده بالقوه جرایم زیست‌محیطی است، پیشگیری گردد. خداوند در آیاتی از سوره کهف، از ساختن سد به وسیله ذوالقرنین برای مراقبت از جان و مال مردم، حیوانات و منابع طبیعی آن منطقه در مقابل تجاوزات و افساد یاجوج و ماجوج، به نیکی یاد می‌کند و می‌فرماید:

قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَاجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ سَدًّا: [آن گروه به او] گفتند: ای ذوالقرنین! یاجوج و ماجوج در این سرزمین فساد می‌کنند، آیا ممکن است ما هزینه‌ای برای تو قرار دهیم که میان ما و آنها سدی ایجاد کنی؟ (کهف: ۹۴).

در مورد اینکه قوم یاجوج و ماجوج اصلاً از جنس بشر بودند یا خیر، روایات گوناگونی وجود دارد؛ از جمله گفته شده است:

این قوم از نظر نیروی جسمی و شجاعت، به حدی بوده‌اند که به هیچ حیوان یا درنده یا انسانی نمی‌گذشتند، مگر آنکه آن را پاره پاره کرده، می‌خوردند و نیز به هیچ کشت و زرع یا درختی نمی‌گذشتند، مگر آنکه همه را می‌چریدند و به هیچ نهری بر نمی‌خوردند، مگر آنکه آب آن را می‌خوردند و آن را خشک می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۵۱۴-۵۱۵).

بنابراین ذوالقرنین با کمک مردم، سد عظیم فلزی ساخت که از پاره‌های آهن و مس گداخته، ساخته شده بود و بر اثر ارتفاع و صاف بودن، قابل فتح نبود و بر اثر استواری و استحکام، قابل نقب و سوراخ کردن نبود (کهف: ۹۶-۹۷)؛ بدین ترتیب ذوالقرنین با ساختن این سد محکم، علاوه بر حفظ جان و مال شخصی مردم، از حیوانات، منابع طبیعی همچون آب، درختان، مراتع و گیاهان آن منطقه نیز مراقبت کرد یا دست‌کم دسترسی آن قوم فسادپیشه به منابع طبیعی مردم محل، دشوار گردید.

باتوجه به عجز بودن جنس بشر و اینکه میان خیر و شر تفاوت نمی‌گذارد (اسراء: ۱۱)، هرچه در دسترس باشد، استفاده می‌کند و کمتر به فکر آینده خویش و آیندگان است؛ بنابراین خداوند حکیم برخی از نعمت‌هایش را از دسترس انسان دور نگهداشته است تا به تدریج یا با زحمت و تلاش فراوان بدان دست یابد. خداوند نسبت به ذخیره آب باران در داخل زمین می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ: آب باران را از آسمان به اندازه معین نازل می‌کنیم و در زمین [انبارهای زیرزمینی] ذخیره می‌سازیم (مؤمنون: ۱۸).

۱-۲-۲. مراقبت از منابع طبیعی با امانت‌دانستن آن نزد حکومت اسلامی

یکی دیگر از شیوه‌های پیشگیری وضعی از ارتکاب جرم، «کاهش منافع مورد انتظار از ارتکاب جرم» است. طبق این روش که مبتنی بر نظریه انتخاب عقلانی و نیز نظریه اقتصادی جرم است، فرد بزهکار با سنجش میزان سود و زیان حاصله، ارتکاب جرم را زمانی برخواهد گزید که از نظر وی منافع حاصل از جرم، ارزشمندتر از مضرات و خطرات ناشی از ارتکاب آن باشد (محمدنسل، ۱۳۹۳، ص ۱۳۰). در آموزه‌های قرآنی، یکی از تدابیر پیشگیری وضعی در قبال جرایم زیست‌محیطی و بالابردن خطر ارتکاب آن، معرفی کردن غالب منابع طبیعی با عنوان «انفال» یا «اموال عمومی» و امانت‌دانستن آن در دست حکومت اسلامی است. خداوند خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ: ای پیامبر! از تو درباره انفال سؤال می‌کنند؛ بگو انفال مخصوص خدا و پیامبر است» (انفال: ۱). هرچند این آیه در مورد غنائم جنگی است و کلمه «الأنفال» در قسمت اول آیه که با «ال» عهد آمده، بیانگر غنائم جنگ بدر است، ولی کلمه الأنفال در قسمت دوم آیه که با «ال» استغراق ذکر شده است، علاوه بر غنائم جنگی، شامل تمامی اموال عمومی می‌گردد (فهیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲)؛ براین اساس انفال شامل همه ثروت‌های طبیعی همچون جنگل‌ها، بیشه‌ها، معادن، اراضی موات، قله‌های کوه‌ها، ته دره‌ها، لب دریاها و اموال منقولی که مالک ندارند مانند ارث بدون وارث و... می‌شود (مفید بغدادی، ۱۴۱۳، ص ۲۷۸) و بر اساس فرموده امام صادق ﷺ: این اموال متعلق به پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد، پس از ایشان در اختیار امامان معصوم ﷺ قرار می‌گیرد و آنان بر اساس صلاح‌دید مصرف می‌کنند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۵۲۳).

البته بر اساس نظر برخی فقها، تعلق انفال به ائمه معصوم ﷺ به دلیل مالکیت آنها نیست، بلکه به واسطه سمت و مقام امامت‌شان می‌باشد؛ همان‌گونه که خداوند نسبت به تصرف انفال، ولایت

دارد، نه مالکیتی مانند مالکیت زید بر لباسش. همچنین به مقتضای «واو» عطف در آیه اول سوره انفال، پیامبر ﷺ نیز دارای مالکیت نسبت به آن نیست (خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۶۶۳)؛ به عبارت دیگر انفال از جمله اکثر منابع طبیعی به دلیل عدم نیازمندی خداوند، پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین ﷺ به آن، به تبع جزء اموال عمومی محسوب می‌شود و به عموم مردم تعلق دارد و قابلیت تملک خصوصی ندارد؛ بنابراین حکومت اسلامی به نمایندگی از مردم و به صورت امانی، این منابع را در اختیار دارد تا حسب نیاز و با رعایت منافع عمومی در اختیار مردم قرار دهد (جعفری ندوشن، ۱۴۰۰، ص ۶۸۲). دلیل این نظر، روایتی است که از امام کاظم ﷺ این‌گونه نقل شده است: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ شُرَكَاءُ فِي الْمَاءِ وَالنَّارِ وَالْكَالِ: مسلمانان در آب، آتش (مواد سوختی) و علوفه‌های بیابانی شراکت دارند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۳۹)؛ بنابراین مطابق این روایت، مسلمانان نسبت به منابع طبیعی مالکیت عمومی دارند و در بهره‌برداری از آن، شریک‌اند؛ همان‌گونه که در تعریف مشترکات عمومی گفته شده است که مالک خاصی ندارند و مورد استفاده عموم مردم قرار می‌گیرند (مشکینی، [بی‌تا]، ص ۴۹۱).

بدین ترتیب منابع طبیعی به عنوان انفال یا اموال عمومی، به عموم مردم تعلق دارند و نزد حکومت اسلامی امانت‌اند. حکومت اسلامی مکلف است از این‌گونه منابع به خوبی محافظت کند و با توجه به مصلحت اجتماع، آن را مورد بهره‌برداری قرار دهد. از آنجاکه بزهدکار محیط زیستی به طور حساب‌شده آماج‌های ارتکاب جرم را انتخاب می‌کند، هزینه و عواید ارتکاب جرمش را می‌سنجد؛ بنابراین قرارگرفتن منابع طبیعی در امانت و مورد مراقبت حکومت اسلامی، تا حد بسیاری، افراد سودجو و تمامیت‌خواه را از ارتکاب جرایم زیست‌محیطی می‌تواند منصرف کند.

۲. سیاست‌های کیفری

در صورت عدم توفیق تدابیر پیشگیرانه و تحقق جرایم زیست‌محیطی، نوبت به تدابیر واکنشی و استفاده از سیاست کیفری در جهت حمایت از محیط زیست می‌رسد تا مجرمان زیست‌محیطی متوجه نادرستی عمل خویش شوند و تلاش نکنند در آینده دوباره مرتکب جرم علیه محیط زیست گردند (قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۹)؛ زیرا سیاست کیفری به عنوان بخشی از سیاست جنایی، مخاطبان آن کسانی‌اند که مرتکب رفتارهایی شده‌اند که قانونگذار آنها را جرم شناخته و برای آن مجازات

در نظر گرفته است. مجری این نوع سیاست که عمدتاً قوه قضائیه است، می‌خواهد با استفاده از ابزار مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، نرخ جرم را در جامعه کاهش دهد و از تکرار آن پیشگیری کند (حسینی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۳).

۲-۱. جرم‌انگاری تخریب محیط زیست

در آموزه‌های قرآنی که در ادامه خواهد آمد، هرگونه زیاده‌روی و تجاوز از حد اعتدال در استفاده و بهره‌برداری از منابع طبیعی، نهی شده است. از سوی دیگر دلالت نهی بر حرمت، امر مسلم و پذیرفته شده نزد اصولیون است، مگر آنکه قرینه‌ای بر خلافش باشد (صالحی مازندرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۱). نسبت به رابطه حرمت و گناه با جرم، گفته شده است: در اسلام، همه گناهان جرم‌اند، ولی قاضی با توجه به اختیارات گسترده‌ای که دارد، می‌تواند با احراز بسیاری از مصالح و مفاسد، از تعقیب برخی گناهان چشم‌پوشی و برخی را مجازات کند (قیاسی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۰). همچنین کشتن یا آسیب‌رساندن بدون مجوز شرعی به انسان و دیگر موجودات زنده، یقیناً حرام است. از باب حرام‌بودن مقدمه فعل حرام، آلوده کردن هوا و آب آشامیدنی و تخریب جنگل‌ها و مانند آن که زمینه‌ای برای ورود صدمه یا هلاکت موجودات زنده است نیز حرام خواهد بود و فعل مجرمانه به حساب می‌آید (قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۹)؛ پس هرگونه آلوده کردن محیط زیست و آسیب‌زدن شدید به آن، حرام و فعل مجرمانه است.

خداوند در آیات متعدد قرآن کریم با بیان جمله «و لا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ...» (اعراف: ۵۶ و ۸۵/ بقره: ۲۷/ رعد: ۲۵)، به صراحت از ایجاد فساد در زمین نهی کرده است. یکی از مصادیق افساد در زمین، تجاوز و تعدی گروهی و گسترده به منابع طبیعی و آلوده کردن محیط زیست است؛ بنابراین تخریب و آلوده کردن محیط زیست از منظر قرآن کریم، عملی ناپسند و غیرقابل قبول است و به عبارتی جرم محسوب می‌شود و نیز بیانگر سزاوار یکی از پاسخ‌های کیفری اسلام در حمایت از طبیعت، منابع و اجزای آن است (محقق داماد، ۱۳۷۱، ص ۲۷۸). در بعضی دیگر از آیات قرآن کریم، علاوه بر آنکه بهره‌برداری مسرفانه از منابع طبیعی مورد نهی قرار گرفته، به عدم رضایت و خشم الهی نیز تصریح شده است: «و کُلُوا وَاشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱/ انعام: ۱۴۱/ آل‌عمران: ۱۴۷/ زمر: ۵۳). همچنین می‌فرماید: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ

غَضَبِي: از خوراکی‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم، بخورید، ولی در آن زیاده‌روی نکنید که خشم من بر شما فرود آید» (طه: ۱۸).

امام صادق علیه السلام با عبارت: «وَلَا تُفْسِدُوا عَلَى الْقَوْمِ مَاءَهُمْ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۴۴)، آشکارا از فاسد و آلوده کردن آب نهی می‌کند. همچنین از شکار حیوانات به قصد ازدیاد رزق، نهی کرده و آن را مصداق فعل حرام می‌داند؛ بنابراین سفر به قصد مذکور، معصیت بوده، موجب قصر نماز و افطار روزه نمی‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۳۸). همچنین گفته شده است: شکار رفتن به قصد خوشگذرانی دنیایی (مفید بغدادی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۴۱) و به قصد تجارت، سفر معصیت محسوب می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۳۶).

براین اساس با در نظر گرفتن مستندات قرآنی و روایی مذکور که بیانگر حرمت آسیب‌رساندن به محیط زیست است، هرگونه سوء استفاده از منابع طبیعی و رفتارهای منافی با محیط زیست را می‌توان جرم‌انگاری کرد؛ همان‌گونه که برخی مراجع معظم تقلید، آلوده کردن منابع آبی، تخریب طبیعت، آتش زدن جنگل‌ها و مراتع را حرام و قابل تعزیر می‌دانند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۹، ص ۵۵، ۱۶۶، ۱۷۴ و ۱۷۶) تا منابع طبیعی اعم از مراتع، اشجار، منابع آبی و... به‌عنوان نعمت‌های حلال و ارزشمند خدادادی، از تعرض و دست‌درازی اقلیت سودجو و بی‌خرد، در امان بماند.

۲-۲. مجازات مجرمان زیست‌محیطی

اَعمال و رفتارهایی که در آموزه‌های اسلامی حرام معرفی شده‌اند، باتوجه به مجازات آن، به سه دسته کلی «دارای مجازات»، «دارای کفاره» و «بدون مجازات و کفاره» تقسیم می‌شوند (کاسانی، ۱۹۸۲، ج ۷، ص ۶۳/عوده، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۷۴). نوع سوم از گناهان که کفاره و مجازات معین ندارند، بسیار متنوع و گوناگون‌اند. یکی از آنها آسیب شدید به محیط زیست است که به مستندات جرم‌انگاری آن اشاره شد؛ بنابراین به دلیل مشخص نبودن مجازات این‌گونه جرایم - از جمله بیشتر جرایم زیست‌محیطی - زیرمجموعه قاعده «التعزیر لکل عمل حرام» و اصل «کل من أتى معصية لایجب بها الحد فإنه يعزر» (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۲۹) قرار می‌گیرند و بر اساس قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» (حلی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۹۸)، حاکم اسلامی می‌تواند باتوجه به مصلحت جامعه و با در نظر گرفتن تناسب عقلانی میان تعزیر و جرم (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۲)،

مجرمان زیست‌محیطی را به یکی از مجازات‌های سنتی سزامدار یا به مجازات خدماتی و اجتماعی همچون غرس نهال، پاک‌سازی محیط و... محکوم نماید.

به‌رغم آنکه تمامی فقهای اسلامی نسبت به مشروعیت مجازات تعزیری توافق دارند، بلکه غالباً بر وجوب تعزیرات قائل شده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۹۹-۱۰۱)، ولی نسبت به انواع تعزیرات، به‌ویژه نسبت به اعدام تعزیری که اشد مجازات تعزیری است، اختلاف نظر دارند؛ بنابراین شماری از فقها فقط مجازات با تازیانه را مشروع می‌دانند. عده دیگری دست حاکم را در انتخاب نوع مجازات از جمله اعدام باز گذاشته‌اند. دسته سوم با آنکه مجازات غیر از شلاق را به‌عنوان مجازات تعزیری پذیرفته‌اند، ولی معتقدند مجازات تعزیری کماً و کیفاً نباید فراتر یا حتی برابر با مجازات حدی باشد (حبیب‌زاده و علی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۶۱).

باتوجه به تعزیری‌بودن جرایم زیست‌محیطی و با در نظر گرفتن سه نظر مذکور نسبت به انواع مجازات تعزیری، قاضی می‌تواند مجرمان زیست‌محیطی را متناسب با جرم ارتكابی، به یکی از مجازات‌های سنتی (اعدام، تازیانه، حبس و جزای نقدی) یا به مجازات نوین مانند الزام به انجام کارهای خدماتی و اجتماعی محکوم نماید. البته نسبت به اعدام مجرمان زیست‌محیطی، به‌رغم آنکه هر چهار مبنای جواز اعدام تعزیری که عبارت‌اند از: «افساد در زمین»، «واگذاری محدوده تعزیرات به حاکم»، «امر به معروف و نهی از منکر» و «تجویز قتل در تکرار جرم تعزیری»، قابل تطبیق‌اند، اما به نظر می‌رسد نمی‌توان از اعدام تعزیری در قبال مجرمان زیست‌محیطی استفاده کرد؛ زیرا اعدام و قتل مجرمان زیست‌محیطی، علاوه بر آنکه با قاعده اصل احتیاط در دماء و نفوس منافات دارد، با هدف مجازات تعزیری که اصلاح مجرم است نیز در تضاد می‌باشد.

۲.۳. اقدامات تأمینی و تربیتی در قبال مجرمان زیست‌محیطی

بخش دیگری از سیاست کیفری، استفاده از اقدامات تأمینی و تربیتی در قبال مجرمان با حالت خطرناک از جمله مجرمان خطرناک زیست‌محیطی است. در تعریف اقدامات تأمینی و تربیتی گفته شده که عبارت است از:

یک سلسله تدابیر پیشگیرانه ناشی از واکنش جامعه برای جلوگیری از تکرار جرم از سوی مجرمان خطرناک که بنا به حکم قانون از جانب دادگاه رسیدگی‌کننده، اتخاذ و درباره آنها اعمال می‌گردد (قاسمی، ۱۳۷۴، ص ۱۳).

به عبارت دیگر تدابیر تأمینی عبارت از اقداماتی است که از سوی محکمه به منظور اصلاح مجرم و جلوگیری از تکرار جرم و با در نظر داشتن حالت خطرناک مجرم، اتخاذ می‌گردد.

در آموزه‌های اسلامی نیز نمونه‌هایی از اقدام تأمینی و تربیتی هرچند نسبت به مجرمان غیر محیط‌زیستی وجود دارد؛ مانند اجرای علنی مجازات زناکار (نور: ۲)، محرومیت دائمی قاذف از دادن شهادت (نور: ۴)، تبعید قواد از شهر محل سکونتش به شهر دیگر (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۱۷۱) و...؛ بنابراین با الغای خصوصیت و تنقیح مناط، اگر مصلحت عمومی ایجاب کند و منعی در میان نباشد، آن حکم را در دیگر جرایم مهم و خطرناک می‌توان اجرا کرد (رهامی، ۱۳۷۹، ص ۹۳). البته یکی از جرایم مهم و خطرناک که حیات تمامی موجودات زنده از جمله حیات انسان را مورد تهدید قرار داده و هر روز شاهد گسترش آنیم، جرایم زیست‌محیطی است؛ بنابراین قاضی اسلامی با توجه به اصل «التعزیر بما یراه الحاکم»، این اختیار را دارد تا برای اصلاح مجرمانی با حالت خطرناک محیط‌زیستی، علاوه بر مجازات سنتی سزادار، از تدابیر تأمینی و تربیتی نیز استفاده کند؛ مانند اعلان و انتشار جرم و مجازات برخی از مجرمان زیست‌محیطی در نشریات، محروم کردن دسته‌ای دیگر از حقوق و امتیازات اجتماعی این افراد، محکوم به تبعید یا اجبار به اقامت یا منع از اقامت در مکان خاص تا دوباره مرتکب جرایم زیست‌محیطی نگردد.

نتیجه

باتوجه به پرسش اصلی مقاله و مطالب مطرح که پاسخ به آن است، نتایج و یافته‌های تحقیق حاضر، به ترتیب ذیل می‌باشد:

۱. قرآن کریم با تشویق و ترغیب به آبادانی زمین، غرس نهال و بیان اهمیت منابع آب یا با تقبیح و سرزنش بهره‌برداری غیر معقولانه و مسرفانه از آنها به دنبال آموزش و ترویج فرهنگ محیط‌زیستی در جامعه است؛ زیرا با نهادینه‌شدن فرهنگ محیط‌زیستی، تمایل افراد به بهره‌برداری مسرفانه از منابع طبیعی به حداقل خواهد رسید؛ بدین ترتیب پیشگیری اجتماعی از جرایم زیست‌محیطی محقق می‌گردد.

۲. ساختن سد محکم به وسیله ذوالقرنین و نجات دادن جان و مال شخصی مردم و نیز مراقبت از منابع طبیعی منطقه از دسترس قوم یاجوج و مأجوج فسادپیشه، خود نمونه‌ای از پیشگیری وضعی

از جرایم زیست‌محیطی است که در قرآن کریم مورد ستایش قرار گرفته است. همچنین قرآن کریم با انفال یا اموال عمومی معرفی کردن منابع طبیعی و امانت‌دانستن آن در دست حکومت اسلامی، به دنبال دشوارکردن دسترسی مجرمان بالقوه زیست‌محیطی به منابع طبیعی است؛ زیرا حکومت اسلامی به دلیل جایگاهی که در جامعه دارد و اینکه امانتدار مردم است، باید از اموال عمومی از جمله منابع طبیعی محافظت کند و مانع دسترسی مجرمان زیست‌محیطی به آن شود.

۳. با توجه به آیات قرآن کریم، هرگونه آسیب‌رساندن به محیط زیست یا بهره‌برداری مسرفانه از آن، صلاحیت جرم‌انگاری دارد؛ زیرا نهی قرآن کریم از تخریب محیط زیست و بهره‌برداری غیرمعتولانه از آن، اگر قرینه بر خلاف نباشد، دلالت بر حرمت دارد؛ از سوی دیگر در آموزه‌های اسلامی، فعل حرام و گناه برابر با عمل مجرمانه به حساب آمده است.

۴. در آموزه‌های اسلامی برای هر معصیت و فعل حرامی که مجازات معین شرعی نداشته باشد - از جمله تخریب محیط زیست - مجازات تعزیری در نظر گرفته شده است که تعیین کمیّت و کیفیت آن با حاکم اسلامی است. حاکم اسلامی می‌تواند با توجه به مصلحت جامعه و با در نظر گرفتن تناسب عقلایی میان تعزیر و جرم، مجرمان زیست‌محیطی را به یکی از مجازات‌های سنتی سزادار یا مجازات‌های خدماتی و اجتماعی محکوم نماید. اگر اعمال این‌گونه مجازات برای اصلاح برخی مجرمان زیست‌محیطی مؤثر نباشد و از تکرار جرم آنها پیشگیری نکند، حاکم اسلامی می‌تواند علاوه بر مجازات معمولی، از اقدامات تأمینی و تربیتی نیز بهره‌برد.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۱۳، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۲. احمدی، اصغر، قدرت‌الله خسروشاهی و مجتبی میرشکار؛ «پیشگیری اولیه از جرایم زیست‌محیطی در آموزه‌های قرآنی»، پژوهش‌های فقهی؛ ش ۱، بهار ۱۳۹۷، ص ۲۱۱-۲۳۹.
۳. احمدی میانجی، علی؛ مالکیت خصوصی در اسلام؛ تهران: نشر دادگستر، ۱۴۲۴ق.
۴. الکساندر کیس؛ پیترا اچ سند، وینفراید لانگ؛ حقوق محیط زیست؛ ترجمه محمدحسین حبیبی؛ چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۵. پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)؛ چ ۴، تهران: ۱۳۸۲.
۶. جعفری ندوشن، علی اکبر؛ «نظریه امانت عمومی به مثابه مبنای حق بهره‌برداری از منابع آب در حقوق ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی؛ ش ۴، زمستان ۱۴۰۰، ص ۶۹۳-۶۷۳.
۷. جمعی از نویسندگان؛ تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا؛ چ ۲، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۸. جوادی آملی، عبدالله؛ اسلام و محیط زیست؛ چ ۸، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۴.
۹. —؛ مفاتیح‌الحیات؛ چ ۱۶۶، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۳.
۱۰. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ جرم‌شناسی کاربردی؛ چ ۳، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۹۸.
۱۱. حبیب‌زاده، محمدجعفر و عادل علی‌پور؛ «منع مجازات اعدام تعزیری در فقه امامیه»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی؛ ش ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۴۳-۶۶.
۱۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ ج ۱۷، قم: مؤسسه آل‌البیت ﷺ، ۱۴۰۹ق.
۱۳. حسینی، سیدعلی؛ هری رود (مروری بر حوزه آبریز) مطالعه آب؛ هرات: انستیتوت (مؤسسه) مطالعات استراتژیک افغانستان، ۱۳۹۷.
۱۴. حسینی، سیدمحمد؛ «سیاست جنایی (مفاهیم و مدل‌ها)»، مجله کانون وکلای دادگستری؛

- ش ۱۱، تابستان ۱۳۸۶، ص ۱۷۹-۱۵۱.
۱۵. —؛ سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۴، تهران: سمت، ۱۳۹۴.
۱۶. حسینی شیرازی، سیدمحمد؛ الفقه البیئة؛ بیروت: مؤسسة الوعی الإسلامی، ۱۴۲۰ق.
۱۷. حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف؛ تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیة؛ ج ۵، قم: مؤسسه امام صادق^ع، ۱۴۲۰ق.
۱۸. خمینی، سیدروح‌الله؛ کتاب‌البیع؛ ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^ع، [بی‌تا].
۱۹. رهامی، محسن؛ «اقدامات تأمینی و تربیتی از نظر قرآن و سنت»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران؛ پاییز ۱۳۷۹، ص ۸۷-۱۰۶.
۲۰. صافی گلپایگانی، لطف‌الله؛ استفتانات محیط زیست؛ تهیه و تنظیم سیدمحمدتقی علوی فریدی؛ تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۹.
۲۱. صالحی مازندرانی، اسماعیل؛ شرح کفایةالأصول؛ قم: انتشارات صالحان، ۱۳۸۲.
۲۲. صفاری‌نیا، مهزاد؛ حق بر آب آشامیدنی سالم در حقوق بین‌الملل بشر؛ تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۴.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیرالقرآن؛ ج ۱۰، ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۴. —؛ تفسیرالمیزان؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ ج ۱۳، ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۲۵. طباطبایی بروجردی، آقا حسین؛ منابع فقه شیعه؛ ترجمه حسینیان قمی و مهدی صبوری؛ ج ۲۳، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۴۲۹ق.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن؛ ترجمه رضا ستوده؛ ج ۱۳، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن ابوجعفر؛ المبسوط فی فقه الإمامیة؛ ج ۱، ۳، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷.
۲۸. —؛ الإستبصار فیما اختلف من الأخبار؛ ج ۱، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰.
۲۹. عبده، عبدالقادر؛ حقوق جنایی اسلام؛ ترجمه اکبر غفوری؛ ج ۱، ۲، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۹.

۳۰. غلامی، اکرم؛ «تحلیل پیشگیری وضعی و اجتماعی در مقابله با جرایم زیست محیطی»، فصلنامه علمی - حقوقی قانون‌یار؛ ش ۱۷، بهار ۱۴۰۰، ص ۴۵۸-۴۳۷.
۳۱. فرجی، حمید؛ «شاخصه‌های مبانی نظری سیاست جنایی اسلام»، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی؛ ش ۱۰۴، زمستان ۱۴۰۲، ص ۱۱۸-۱۸۹.
۳۲. فهیمی، عزیزالله؛ مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱.
۳۳. قاسمی، ناصر؛ اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران؛ تهران: میزان، ۱۳۷۴.
۳۴. —؛ حقوق کیفری محیط زیست؛ ج ۲، [ابی جا]: جمال‌الحق، ۱۳۸۴.
۳۵. قرانتی، محسن؛ تفسیر نور؛ ج ۱، چ ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۳۶. قیاسی، جلال‌الدین و دیگران؛ مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی اسلام و حقوق موضوعه؛ ج ۲، چ ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۳۷. کاسانی، علاء‌الدین؛ بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع؛ ج ۷، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۹۸۲ م.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۵، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۹. کوفی اهوازی، حسین بن سعید؛ مؤمن کیست؟ وظیفه‌اش چیست؟؛ ترجمه عبدالله صالحی مؤمن؛ قم: ۱۳۸۶.
۴۰. گرجی فرد، حمیدرضا؛ جرم‌شناسی سبز؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵.
۴۱. لواسور؛ ژرژ؛ «سیاست جنایی»، مجله تحقیقات حقوقی؛ ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ ش ۱۱ و ۱۲، خرداد ۱۳۷۱، ص ۴۳۶-۳۹۵.
۴۲. مارتی، می‌ری دلماس؛ نظام‌های بزرگ سیاست جنایی؛ ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ چ ۳، تهران: میزان، ۱۳۹۵.
۴۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ ج ۶۳، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴۴. محقق داماد، سیدمصطفی؛ «طبیعت و محیط زیست انسان از دیدگاه اسلام»، فصلنامه رهنمون؛ ش ۲-۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۱، ص ۲۷۰-۲۹۵.
۴۵. محمدنسل، غلامرضا؛ کلیات پیشگیری از جرم؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳.
۴۶. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه؛ مجموعه آرای فقهی، قضایی در امور کیفری؛ ج ۱، قم: ۱۳۸۱.
۴۷. مشکینی، علی؛ مصطلحات الفقه؛ قم: انتشارات الهادی، ۱۴۱۹ ق.

۴۸. مفید بغدادی، محمدبن محمدبن نعمان؛ المقنعة؛ ج ۱، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۰، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۵۰. میرخلیلی، سید محمود؛ پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
۵۱. ناصری داوودی، عبدالحمید؛ محیط زیست و بهداشت در سیره و سنت معصومان^{علیهم‌السلام}؛ قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۹۱.
۵۲. نوری، حسین بن محمد تقی؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۳، بیروت: مؤسسه آل‌البیت^{علیهم‌السلام}، ۱۴۰۸ق.